

اولویت‌ها و ترجیحات
دولت چهاردهممحمد فاضلی
جامعه‌شناس

گفتمان را به معنای ادبیات رایج علوم به کار نمی‌برم، منظور من از گفتمان جهت‌گیری بایسته و مفید برای ایران امروز است و امیدوارم این ترکیبات و اولویت‌ها در دستور کار دولت قرار گیرد و امیدوارم این امر در گفتمان و کردار سیاسی دولت بازتاب یابد و با پشتیبانی جامعه و هسته قدرت پیش برود. قرار گرفتن در ابتدای جاده‌ای که بتوان امنیت، تفاهم و رونق را پایدار کرد ضرورت ایران امروز است. اگر فرض کنیم که سیاست باید در ایران امنیت، تفاهم و رونق پایدار خلق کند، ترجیحات سیاسی و اولویت‌های دولت چهاردهم می‌تواند شامل موارد زیر باشد. یک: توافق‌سازی بین فرادستان سیاسی در درون، به‌جانب‌سازی منازعه‌ای که از دوم خرداد ۱۳۷۶ و بالاخص تیرماه ۱۳۷۸ آغاز شده، بالاخره باید جایی در این کشور متوقف شود. دو: توافق‌سازی با قدرت‌های جهانی به‌ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا تاؤام با همکاری با چین و روسیه و کشورهای همسایه. سه: بازسازی ظرفیت دولت برای حل مسئله حل نشده ایران در سایه توافق‌سازی داخلی و خارجی و اقدامات تکنیکی برای حل بحران‌های نیروی انسانی، تامین مالی، ظرفیت فناوری‌ها و جایگاه اجتماعی و سیاسی دولت. چهار: بازسازی اعتماد دوسرماه اجتماعی دولت در سایه ساختن، کسب و روایت کردن موفقیت‌های گام به گام. ایران امروز ظرفیت کسب موفقیت‌های بزرگ به یکباره را ندارد و باید با مردم در چار چوب بازی نشانه‌های اعتمادسازی به سمت موفقیت عمل کرد. اما بحث دوم درباره ترجیحات و جهت‌گیری‌های سیاسی است که بدون اولویت این جهت‌گیری‌های سیاسی را برای ایران امروز ضروری می‌دانم. یک: تمرکز بر جلوگیری از تخریب بیشتر ظرفیت زیست‌پذیری سرزمین، مسائل فرونشست زمین، فرسایش خاک و بقیه تهدیدهای محیط زیستی و آستانه‌های تهدید جدی زیست‌پذیری در برخی از نقاط ایران و افزوده شدن تغییر اقلیم و تبعاتش برای ایران وضعیت را بدتر می‌کند. دو: تمرکز بر یک سیاست صنعتی برای تعریف پروژه‌های مشترک توسعه صنعتی در مناطق توسعه‌نیافته کشور با رعایت ملاحظات محیط زیستی و توأمان کاهش فشار بر منابع مختلف برای تامین معیشت مردم ایران. سه: طراحی برای سیاست صنعتی در مناطق حاشیه‌ای کشور که توسعه‌نیافته هستند. ارتقای عدالت و جلوگیری از احساس تبعیض از مرکز به حاشیه کشور و ممانعت از قومی، مذهبی و رادیکال شدن احساس تبعیض و برائت تقارن توسعه‌نیافتگی و فقر در استان‌های حاشیه‌ای کشور. چهار: تمرکز بر بازسازی جایگاه ایران در اقتصاد جهانی و جابجایی مناسب‌تری برای ایران در زنجیره‌های جهانی ارزش. این کار باید متکی بر ظرفیت‌های جغرافیای اقتصادی و سیاسی ایران در قالب ظرفیت برای جابجایی در کریدورها و متکی بر ظرفیت‌های ایران برای تولید کالا و خدمات در کشور برای صادرات باشد. پنج: فراتر رفتن از دوگانه دولت و بازار و در پیش گرفتن سیاست تلفیقی مسئله‌محور. شش: زمان‌مند کردن حمایت از صنایع و گذار به وضعیت تولید رانت مولد. رانت مولد زمان‌مند شبیه آنچه در کشورهای شرق آسیا به کار گرفته شد می‌تواند ضرورت توسعه در ایران امروز باشد. رانت غیرمولد غیرزمان‌مند و نامحدود منشأ ناکارآمدی و فساد گسترده در کشور است. هفت: اجتناب کردن جدی از دمدین بر شکاف‌های اجتماعی، خواه شکاف قومی، زبانی، دینی، مذهبی، یا شکاف‌های ناشی از سبک زندگی ایرانیان. هیچ بخش سیاسی حق ندارد به این ظرفیت زندگی مسالمت‌آمیز ضربه بزند و انسجام اجتماعی در ایران را مخدوش کند. هشت: تمرکز بر حل مسئله‌های اولویت‌دار و ملموس برای گروه‌های مختلف مردم و خودداری از بخش و مستهلک کردن ظرفیت‌های مالی، سیاسی، اداری و نیروی انسانی محدود کشور برای مجموعه گسترده‌ای از اهداف که بیشتر به فهرست آرزوها شباهت دارند تا اولویت‌های توسعه. نه: تدوین و در پیش گرفتن سیاست روشن در قبال ایران‌پران خارج از کشور. ده: دولت چهاردهم نمی‌تواند بدون داشتن سیاست ارتباطی، ابزارهای رسانه‌ای و تولید محتوای کارآمدی که نظر ایرانیان را جلب کند موفق باشد. حکومت در ایران امروز از اساس دچار اختلال ارتباطی با جامعه است. دولت به معنای قوه مجریه و شخص رئیس‌جمهور بیش از همیشه از این موضوع رنج می‌برد و باید سیاست‌ها، ابزارها و محتوای کارآمدی را برای برطرف کردن این اختلال به کار بگیرد. یازده: جامعه ایران برائت‌ناشته شدن مسئله‌هایش و ناکارآمد شدن نسبی ظرفیت‌های حل مسئله در سطح سیاست و جامعه در مسیر حرکت به سمت انواع خشونت است. دولت چهاردهم باید به دنبال فراهم کردن بستری جلوگیری از بروز خشونت، تجات دادن مردم از زنده‌ترین صورت‌های خشونت و جلوگیری از خشونت در عرصه‌ها، افسار و کردارهای مختلف جامعه‌باشد.

گفتمان فرصت محور پزشک‌کیان

محمدجواد ظریف
رئیس شورای راهبری
دوره انتقال دولت چهاردهم

شنیدن آغاز گفت‌وگو است؛ گفت‌وگو با صحبت کردن شروع نمی‌شود؛ گفت‌وگو با شنیدن آغاز می‌شود. مذاکره با شنیدن شروع می‌شود و شنیدن یعنی آمادگی برای فهم و دیدن طرف مقابل و آمادگی برای این است که خودتان را در جایگاه طرف مقابل بگذارید و به جای آن ببینید، احساس کنید و بتوانید راه‌حل مشترک پیدا کنید. درباره گفتمان دکتر پزشک‌کیان نکته‌ای را در ذهن دارم که می‌تواند مبنای گفتمانی او در سیاست خارجی و سیاست داخلی باشد. ما دوگانه «نگرش

تهدیدمحور» و «نگرش فرصت‌محور» را داریم و این همان مبنا است که اگر ما با یک پارادایم بتوانیم نگرش تهدیدمحور حاکم بر تقابل داخلی و خارجی را به نگرش فرصت‌محور تبدیل کنیم، می‌شود براساس اش کار را به جلو برد. نگرش تهدیدمحور در بُعد داخلی این است که ما جوانان مان، زنان مان و مردم و انتخاب آنها را تهدید ببینیم و در این شرایط است که اینترنت، جوانان، زنان و مردم فرصت انتخاب آنها را محدود می‌کنیم، به عبارتی همین مردمی که موجب شده کشور روی پای خود بایستد تهدید می‌بینیم. اگر این مردم نبودند ما چه می‌کردیم؟ چه کسی قرار بود در برابر عراق یا در برابر تحریم بایستد؟ تحریم بسیار بد است، اما این مردم بودند که تحریم را تحمل کردند، نه ما و من فکر می‌کنم، دکتر پزشک‌کیان، شما مردم را تهدید نمی‌بیند و این شروع مهمی است که ما مردم، جوانان و بانوان مان را فرصت ببینیم. اگر پزشک‌کیان این دید فرصت نسبت به مردم را نداشت افزایش مشارکت در دور دوم اتفاق نمی‌افتاد. مردم با حضور و عدم حضورشان در دور اول این پیام را به ما دادند

گفتار
دو

که از ما راضی نیستند و در برابر این پیام باید سه مرحله را پیش ببریم. اول؛ با مردم آشتی کنیم. دوم؛ باید از مردم پوزش بخواهیم. سوم؛ باید با مردم همدل شویم. در حوزه بین‌المللی هم مراحل از آتش‌بس شروع می‌شود تا پوزش ادامه پیدا می‌کند و با دوستی قدرتمند و نهادینه می‌شود. این سه مرحله حرکت از تخاصم به صلح است. صلح به معنای عدم تخاصم نیست؛ صلح به معنای آمادگی برای بخشش است. بخشش مقدمه اش پوزش است و برای همین من با تمام وجود از مردم ایران پوزش می‌خواهم. ما باید این مردم را فرصتی بدانیم که ضروری است در مسیر بالندگی قرار بگیرند؛ نه محدودسازی و نه در مسیر تقابل. حتی باید مخالفین مان را هم فرصت دهیم. این کنش اجتماعی که رخ داد و در آن توانستیم جامعه‌ای که واقعا از انتخابات خسته شده بود را بیرون بکشانیم و رای بدهند، بخشی از آن را مدیون مخالفتی که داشتیم هستیم و این را هم باید به دید فرصت بنگریم. ایران در طول تاریخ همواره با تهدید روبه‌رو بوده است اما این نباید موجب شود که مانگانه‌مان به خودمان و تاریخ مان نگاه تهدیدمحور باشد. ایران بارها مورد تهاجم قرار گرفته اما مردم این تهدیدها را به فرصت تبدیل کردند و هر مهاجری را به رنگ خود درآورده و در فرهنگ ما مضمحل کرده‌اند. مانایز نداریم تهدیدها را فراموش کنیم اما بدانیم که همه آنها را می‌توانیم به فرصت تبدیل کنیم. در سیاست خارجی اگر نگاه تهدیدمحور داشته باشیم نمی‌توانیم با همسایگان مان هم‌افزایی کنیم و وارد رقابت نظامی،



آشفتگی

ارزیابی اندیشمندان علوم سیاسی از گفتمانی که مسعود پزشک‌کیان در انتخابات ارائه کرد

برگزار شد. این جلسه در راستای تبیین رویکرد و گفتمان دولت مسعود پزشک‌کیان بود که با حضور جمعیت گسترده‌ای از مردم که حتی میزان آن را چندبرابر ظرفیت سالن عنوان کرده‌اند، برگزار شد. علاوه بر مباحث علمی درباره این گفتمان سازی، در سخنان این کارشناسان و تحلیلگران به وضعیت کشور در دهه‌های اخیر و اولویت‌ها و ضرورت‌های پیش روی دولت چهاردهم اشاره شده است. در ادامه خلاصه‌ای از اظهارنظرهای صورت گرفته در این نشست می‌آید.

گروه سیاست: نشست «واکاوی گفتمان دولت چهاردهم» با حضور محمدجواد ظریف، رئیس شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم، حسین سلیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و فعال سیاسی، عباس عبدی، تحلیلگر و فعال سیاسی، ابوالفضل دلوری، استاد علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، محمد فاضلی، جامعه‌شناس و استاد سابق دانشگاه شهید بهشتی، غلامرضا زکاتی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی روز گذشته در فرهنگسرای اندیشه

گفتار
سه

اعتماد برای توسعه و آرامش

عباس عبدی
روزنامه‌نگار و فعال سیاسی

گمان نکنید که اتفاقات انتخاباتی روز ۸ یا ۱۵ تیر رخ داد. این رخداد فرآیندی قدیمی دارد. در حقیقت از سال ۱۴۰۰ که انتخابات برگزار شد، این ذهنیت به وجود آمد که دیر یا زود سیستم سیاسی کشور به بن‌بست می‌رسد که رسید و به دموکراسی تن داده شد تا اصلاح صورت گیرد. نمونه آن را در حکومت چین می‌بینید. برخی فکر می‌کنند حکومت چین اقلیت است در حالی که اینطور نیست و دموکراسی و چند صد میلیون عضو در سطح سیاسی این کشور وجود دارد. بنابراین اندازه‌ای از دموکراسی - حتی محدود هم به حل اشتباهات کمک می‌کند تا آدم‌های شایسته‌ای در سطوح بالای کشور قرار گیرند و پیشرفت تکنولوژی باور نکردنی ۵۰ سال چین محصول چنین فضایی است و اینطور نیست که یک حکومت یکدست چین را اداره می‌کند که با این دیدگاه بگویم پس اگر

نیز این وضعیت و شکاف را شاهدهیم. تا وقتی که با شکاف درون ساختار قدرت مواجه هستیم امکان ندارد که پروژه‌ها پیش رود. اما شکاف بدتر بین دولت و مردم است. در دنیا مسائلی مانند قیمت‌گذاری، مسئله ارز، تورم و... به عنوان مسائل عادی وجود ندارد، اما در ایران وجود دارد و اتفاقاً اگر بخواهند کسی را تخطئه کنند می‌گویند: «می‌خواهد قیمت بنزین را افزایش دهد». اگر قیمت پایین به جامعه کمک می‌کند تمام خدمات دولتی را صفر کنید. اما از یک جای دیگر بدبخت می‌شویم. چرا نمی‌توانند تصمیم بگیرند؟ به دلیل وجود شکاف دولت و ملت است. در دولت روحانی سه بار قیمت بنزین افزایش یافت. دویار را اکثر خبر ندارند و یادشان رفته است اما دفعه سوم که بحران ۹۸ را ایجاد کرد به خاطر دارند. آن دویار زمانی قیمت بنزین افزایش یافت که بین دولت و ملت اعتماد وجود داشت و کسی به آن توجه نکرد. از آن مهم‌تر به محض شروع دولت روحانی قیمت نرخ ارز تک‌نرخ شد اما هیچ‌کس متوجه آن نشد. اما از ۲۲۰۰ تومانی شد پاشنه آشیل آن دولت و دولت بعد و فکر می‌کردند که روحانی پوست موز را زیرپای دولت بعدی گذاشته است در حالی که زیرپای خودش بود و آنها روی آن رفتند. وقتی این شکاف وجود دارد امکان ندارد که یک گام پیش رو برداشته شود.

تا امروز مدام ستیز و دعوا وجود داشته و هر کسی می‌خواسته آن یکی را حذف کند. در تمام دوران این قاعده وجود داشته است اما به واسطه انتخابات. از سال ۱۳۹۶ رابطه مردم با این فرآیند قطع شد و تنها یک راه مانده بود، اینکه آیا سیستم سیاسی کشور حاضر می‌شود انتخاباتی را آگاهانه بپذیرد؟ سیستم سیاسی در سال ۷۶ و ۹۲ انتظار روی کار آمدن خاتمی و روحانی را نداشت اما آنها روی کار آمدند. بنابراین آن نوع انتخابات فایده‌ای نداشت. انتخابات ۱۴۰۳ مبنایی برای